

Farazi on the position of the right to clean air with an approach to the right to sustainable development in the legal systems of states

Abstract

Environmental law is an important tool for monitoring and managing sustainable development. These rights are effective in determining environmental protection policies and measures, as well as the rational and sustainable use of natural resources. As emphasized in important international documents and terminals on the environment, including the Rio Declaration, in the long and difficult stages of human evolution on Earth, a stage has been reached in which man, with the help of the rapid advancement of science. And technology has gained the power to change the environment in a number of ways and on unpredictable scales; As a result of sustainable development, while its application is clear and common in the environmental law literature as well as development planning, it shows a special and multifaceted concept that from a theoretical point of view, the relationship between development and the environment can be He imagined three modes: the primacy of the environment over development, the primacy of development over the environment, and the equality of development and environmental considerations.

Keywords: right to a healthy environment, right to sustainable development, governments, international law, air pollution

فرازی بر جایگاه حق بر هوای پاک با رویکرد به حق بر توسعه پایدار در نظام های حقوقی دولزینب باغبان صبورا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۹

فرامرز عطریان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

مسعود راعی^۳**چکیده:**

حقوق محیط‌زیست، ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه ی پایدار است. این حقوق در تعیین خط مشی ها و اقدامات حفاظتی محیط‌زیست و هم چنین استفاده ی معقولانه و پایدار از منابع طبیعی موثر است. همان گونه که در اسناد و پایانه های مهم بین‌المللی درباره ی محیط‌زیست از جمله بیانیه ی ریو نیز مورد تأکید قرار گرفته است در مراحل تکامل طولانی و دشوار بشر بر روی زمین، مرحله ای فرا رسیده است که در آن، انسان به یاری پیشرفت سریع علوم و فن آوری به روش های متعدد و در مقیاس های غیر قابل پیش بینی، قدرت تغییر محیط‌زیست خود را به دست آورده است؛ در نتیجه توسعه ی پایدار، در عین روشن و معمول بودن کاربرد آن در ادبیات حقوق محیط زیست و همچنین برنامه ریزی های توسعه، مفهومی ویژه و چند وجهی را نمایش می دهد که از نگاهی نظری، مناسبات میان توسعه و محیط زیست را می توان در سه حالت تصور نمود: تقدم محیط زیست بر توسعه، تقدم توسعه بر محیط زیست و برابری ملاحظات توسعه ای و زیست محیطی.

کلید واژگان: حق بر محیط زیست سالم، حق بر توسعه پایدار، دولت ها، قوانین بین المللی، آلودگی

هوا

^۱دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران^۲استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)** E-mail: atrian.f.1001@yahoo.com^۳دانشیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران*** E-mail: masoudraei@yahoo.com

همان طور که در سیر گذری در مطالب مارلذکر بیان گردید؛ با توجه به شناسایی اصل توسعه ی پایدار و همچنین پیشرفت روز افزون و رفع نیازهای بشری، متعاقب آن میزان حساسیت و نگرانی بشر نیز به مقوله ی محیط زیست که تبعاً هوای پاک نیز از موارد مهم انشعابی آن قلمداد می گردد، بیشتر شد و از نگاه منطقه ای به نگاه فرا منطقه ای و بین المللی تسری پیدا کرد و به نظر می رسد هوای پاک را نیز بشر به عنوان میراث مشترک بشریت عنوان نموده و در این راستا تلاش های خود را در قالب ملی، منطقه ای و بین المللی می کند. مع هذا، سئوالی که در این جا به اذهان متصور می شود؛ این است که آیا با وجود تلاش های صورت گرفته از سوی دول و تشریک مساعی که بین کشورها در خصوص آلودگی هوا ایجاد شده است، شاهد متمر به ثمر شدن سیاست گذاری ها، مقررات گذاری ها و رویه ی قضایی در کنترل این معضل سیاه هستیم؟

توضیح اینکه تدوین قوانین در خصوص حفاظت از هوای پاک عموماً در دو شکل^۱ نسبتاً متفاوت صورت گرفته است: برخی کشورها به دلیل حساسیت بسیار اقدام به وضع قوانین کاملاً جزئی و موردی در زمینه ی آلودگی هوا کرده اند.^۲

اتحادیه ی اروپا

کمیسیون اتحادیه ی اروپا در طول تقریباً چند دهه فعالیت خود قوانین زیست محیطی را به شکل قابل توجهی توسعه بخشیده است. این کمیسیون همچنین عضو معاهدات مختلف مهم مبارزه با آلودگی بین المللی می باشد. اقدامات قانونگذاری کمیسیون شامل مجموعه قوانین و دستورالعمل ها می گردد. یک قانون جنبه عمومی دارد و الزام آور است و در همه کشورهای عضو قابل اجرا می باشد. یک دستورالعمل از این جهت با قانون تفاوت دارد که الزام خاصی را برای دستیابی به هدف خاصی اجبار می نماید و جنبه عمومی ندارد. دستورالعمل ها غالباً نیازمند اقدامات اجرایی توسط کشورهای عضو می باشند. علاوه بر قانون و دستورالعمل، کمیسیون می تواند حکم خاصی را به یکی از کشورهای عضو یا یک موجودیت حقوقی یا حقیقی ابلاغ نماید. کمیسیون اروپا در طول فعالیت دستورالعمل هایی با

^۱ البته تدوین مقررات مقابله با آلودگی هوا در دیگر کشورهایی که به این مساله توجه داشته اند، طی قوانین کلی حفاظت از محیط زیست یا مقابله با آلودگی، صورت گرفته است مانند «قانون راجع به آلودگی مصوب ۱ جولای ۲۰۰۱ لاتویا» یا «قانون پیشگیری و کنترل آلودگی منسجم مصوب ۱ می ۲۰۰۲ استونی» همچنین «قانون هزینه ی آلودگی مصوب ۲۱ مارس ۱۹۹۹».

^۲ در این خصوص می توان به کشور دانمارک اشاره کرد که مجموعه ی گسترده ای از قوانین در مورد آلودگی های مختلف مانند دستورالعمل راجع به «کاهش انتشار اکسید سولفور و ذرات معلق ۱۹۸۶» یا «دستورالعمل کاهش انتشار اکسید نیتروژن ۱۹۹۰» را تصویب کرده است.

دامنه ی عمومی درباره ی ارزیابی اثرات عمومی و خصوصی پروژه های خاص در زمینه ی محیط زیست از تصویب گذرانده است. در دهه ۱۹۹۰ کمیسیون اروپا تمایل خود را برای تصویب قوانینی برای حفاظت جامع از محیط زیست و بهداشت انسان نشان داد. در همین زمان، جنبه های اقتصادی معیارهای پیشنهادی و نیز نیاز آشکار به توسعه پایدار به طرز روز افزونی مدنظر قرار می گرفت.

اتحادیه ی اروپا، سه مجموعه قانون در ارتباط با آلودگی هوا تصویب نموده است. برخی از دستورالعمل ها جنبه عمومی دارند، و برخی دیگر به اشکال و منابع خاص آلودگی مربوط می شوند، و دسته سوم اهداف فراگیر کیفیت هوا را دنبال می نمایند.^۳

به دنبال کشف آسیب های وارد شده به جنگل های مرکزی اروپا در اوایل دهه ۱۹۸۰، کمیسیون اروپا اقدام به تصویب دستورالعملی عمومی در ارتباط با آلودگی هوای ناشی از تأسیسات صنعتی نمود.^۴ این دستورالعمل الزام نمود که برای ایجاد تأسیسات صنعتی ای که آلاینده های جوی را منتشر می نمایند، نیاز به اخذ مجوز از مقامات ذیصلاح می باشد. این تأسیسات شامل بخش تولید انرژی مانند معادن و پالایشگاه ها؛ و صنایع شیمیایی و فلزکاری و نیز بازیافت پسماند و کارخانجات کاغذسازی می شود. در واقع مقامات ذیصلاح اقدام به صدور مجوز نمی نمایند مگر آنکه تشکیلات در حال تأسیس، اقدامات مقتضی در جهت کنترل آلاینده های منتشره را به عمل آورد و حداقل استانداردهای انتشار آلاینده ها و کیفیت هوا را برآورده سازد. تقاضاهای صدور مجوز و مجوزهای صادره توسط مراجع ذیصلاح باید به اطلاع افراد تحت تأثیر قرار گیرنده، برسد. همچنین در صورتی که آلاینده های مذکور تأثیراتی بر سایر کشورهای عضو بگذارند؛ آن کشورها باید ضمن اطلاع رسانی به مشاوره دعوت گردند.

^۳ اتحادیه ی اروپا در زمینه ی ایجاد یک نظام حقوقی خاص در زمینه ی مقابله با آلودگی هوا پیشگام بوده و دستورالعمل ها و راهبردهای متعددی را در زمینه ی حفاظت از هوای پاک به تصویب رسانده و هر سال با توجه به تغییرات فنی و حقوقی، اقدام به اصلاح و به روز رسانی آن ها می کند. این تدابیر عموماً مقررات و پیشنهادهایی را در این زمینه ها بیان می کند:

- استانداردهای هوای پاک؛

- استانداردهای ملی حد مجاز انتشار برای مقابله با آلودگی فرامرزی؛

- برنامه های کاهش هدفمند در حوزه های مشخص شده؛

- اعمال تدابیر خاص برای توقف یا کاهش انتشار برخی آلاینده ها یا ارتقای برخی استانداردهای تولید.

^۴ به دلیل توسعه ی روز افزون صنعتی و به هم پیوسته بودن نسبی شرایط اقلیمی در کشورهای اتحادیه ی اروپا، مقابله با آلودگی هوا از واپسین سال های دهه ی ۱۹۷۰، تبدیل به یکی از مسائل اساسی خط مشی محیط زیستی و حتی سیاسی اروپا شده است.

علاوه بر تلاش‌ها در جهت کاهش آلودگی هوا توسط دستورالعمل‌هایی با دامنه‌ی عمومی، کمیسیون اروپا دستورالعمل‌هایی برای کاهش آلودگی توسط منابع خاص ارائه نموده است.^۵ دستورالعمل شماره ۷۰/۲۲۰ مصوب ۱۹۷۰ که چندین بار نیز اصلاحاتی در آن صورت پذیرفته، به آلاینده‌های منتشر شده از اتومبیل‌ها مربوط می‌شود. در سال ۱۹۷۵ دستورالعملی میزان حداکثر گوگرد آزاد شده از سوخت موتورهای دیزل را مشخص نمود. دستورالعمل دیگری میزان سرب در بنزین را محدود کرد. همچنین سایر دستورالعمل‌های زیست محیطی اهداف کیفیتی را دنبال نموده است. این اهداف برای تنظیم حداکثر دی اکسید گوگرد و ریزگردها، سرب، و دی اکسید نیتروس تدوین شده‌اند. امروزه سیستم قانونگذاری از تعیین اهداف کیفیتی فاصله گرفته است؛ چرا که استفاده از این روش محافظت کافی و وافی از محیط زیست را ممکن نمی‌سازد. علاوه بر این که دستورالعمل‌های اخیر اتحادیه‌ی اروپا تمایلی به رویکرد "منبع محور" دارند که انتشار آلاینده‌ها کنترل می‌کند.

پارلمان اروپا طی دستورالعملی کنترل ضخامت لایه اوزون را به عنوان وسیله‌ای برای حفظ سلامت انسان و محیط زیست را در برنامه‌ی کار خود قرار داده است. این دستورالعمل زمان هدف را در سال ۲۰۱۰ تعیین نموده و از همه‌ی کشورهای عضو تقاضا کرده است؛ فهرست مناطقی که در آن‌ها سطح لایه‌ی اوزون شرایط بلند مدت را محقق می‌کند، ارائه نمایند. جاهایی که غلظت لایه اوزون از مقادیر هدف فزونی داشته باشد برنامه‌های و طرح‌های مشترک برای دستیابی به مقادیر هدف اجرایی خواهند گردید.

ایالات متحده‌ی آمریکا

دولت‌های مختلف جهان برخوردهای متفاوتی با مقوله‌ی آلودگی هوا داشته‌اند؛ برخی دول مساله‌ی کنترل آلودگی هوا را جدی گرفته و برخی دیگر هم با سهل‌انگاری به آن نگرسته‌اند. طی دهه‌ی ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ ایالات متحده‌ی آمریکا به تدریج از حالت بی تفاوتی و سهل‌انگاری به جدی گرفتن

^۵شایان ذکر است به موجب معاهده‌ی رم، دستورالعمل‌های اتحادیه‌ی اروپا باید در قوانین داخلی کشورهای عضو مندرج شوند تا زمینه‌ی اجرایی بیابند. بنابراین تصویب مقررات لازم برای اجرایی کردن دستورالعمل‌های مذکور نیز عموماً در دستور کار دولت‌های عضو قرار دارد.

مساله ی پاکسازی روی آورده است. در سال ۱۹۵۵ میلادی در ایالات متحده ی آمریکا،^۷ قانون «کنترل آلودگی هوا»^۸ به تصویب رسید.^۹ طبق این قانون، موسسات بهداشت عمومی بایستی مطالعات لازم را در مورد اثرات آلودگی هوا انجام دهند؛ همچنین دولت فدرال موظف گردید کمک های فنی و آموزشی لازم را در رشته های آلودگی هوا برای ایالات تامین نماید.^{۱۰}

در سال ۱۹۶۳ میلادی لایحه ی جدیدی برای اصلاح قانون سال ۱۹۵۵ تصویب گردید؛ که آن را قانون «هوای پاک»^{۱۱} نامیدند.^{۱۲} به موجب آن چه در این لایحه آمده است،^{۱۳} کنگره تشخیص می دهد که:

۱- جمعیت عمده ی آمریکا در مناطق شهری سریع رشد و سایر مناطق شهری که سکنی دارند، به تدریج از مرزهای حقوقی ایالات گذشته و در دو یا چند ایالت پخش شوند.

^۶ در قانون اساسی پنسیلوانیای آمریکا در خصوص حق بر هوای پاک در ماده ی ۱ بخش ۲۷ چنین مقرر شده است که: «مردم حق بر هوای پاک، آب پاک و (...) دارند منابع طبیعی عمومی پنسیلوانیا دارایی مشترک همه ی مردم است از جمله نسل های آینده. به عنوان امین این منابع، کشور فدرال بایستی این منابع را به نفع تمام مردم حفظ و صیانت نماید، Pennsylvania Constitution Article I, Section 27

^۷ در کشور فرانسه، قانون ۲ اوت ۱۹۶۱ راجع به مقابله با آلودگی های جوی و بوها، اولین قانون در این زمینه بود. در ماده ی ۱ قانون ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶ مربوط به هوا و استفاده ی منطقی از انرژی (ماده ی - ۲۲۰ کد محیط زیست فرانسه) نیز به این حق صراحتاً اشاره نموده است.

^۸ اولین قانونگذاری دولت فدرال.

^۹ Air Pollution Control Act of 1955 (pub.L.84-159. Ch.360, 69 Stat. 322).

^{۱۰} این قانون ضمانت اجرایی لازم، برای کنترل آلودگی هوا را نداشت.

^{۱۱} در این قانون کمک های مالی به عهده ی فدرال، ولی مشکلات به عهده ی ایالات گذاشته شد.

^{۱۲} اصلی ترین قانون آمریکا در زمینه ی کنترل آلودگی هوا، یعنی قانون هوای پاک در سال ۱۹۶۳ (با اصلاحیه های ۱۹۷۰، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۰) تصویب شد که مسئولیت های آژانس حفاظت محیط زیست آمریکا را در زمینه ی پیشگیری و کنترل آلودگی هوا مشخص می کند. این قانون بیشتر یک برنامه ی فناوری - محور است تا برنامه ای راهبردی برای حفاظت از سلامتی، و در واقع بیشتر به وضع استانداردها و محدودیت های فنی انتشار آلودگی هوا با توجه به آخرین فناوری های در دسترس می پردازد. محدودیت های نهایی انتشار نیز با توجه به اصل محلی بودن کنترل آلودگی، توسط هر یک از ایالات تعیین می شود.

^{۱۳} قانون هوای پاک آمریکا مورد مشخصی از یک قانون جامع با رویکردی سختگیرانه در زمینه ی مقابله با آلودگی هوا به شمار می آید. این قانون مفصل در ۶ فصل کلی شامل پیشگیری و کنترل آلودگی هوا، استانداردهای انتشار برای منابع متحرک، مواد عمومی، کنترل باران اسیدی، مجوزها و حفاظت از اوزون جوی، اقدام به دسته بندی آلاینده های هوا نموده و ۱۸۹ عنوان ماده ی آلاینده را مشمول استانداردهای کیفیت هوا ساخته است (بند «ب» ماده ی ۱۱۱ بخش ۱۱۲).

۲- افزایش مشکلات آلودگی هوا که به وسیله‌ی شهرنشینی، توسعه‌ی صنعتی و استفاده‌ی روز افزون از اتومبیل به وجود آمده، باعث خطر برای بهداشت و رفاه عمومی شده است که شامل خسارت به محصولات کشاورزی، دامپروری، خرابی و نابودی اموال و خطر برای حمل و نقل زمینی و هوایی می‌باشد.

۳- جلوگیری و کنترل آلودگی هوا، از مسئولیت‌های دول ایالتی و مقامات محلی است.

۴- کمک‌های مالی فدرال برای جلب همکاری دوجانبه بین دولت فدرال و دولت‌های ایالتی و یا ایالات و مقامات محلی، برای کنترل آلودگی هوا لازم و اساسی می‌باشد، سپس قانون بیان می‌دارد که:

-به آموزش و تحقیق شتاب داده شود.^{۱۴}

-می‌بایست بین کمک‌های مالی دولت فدرال و سازمان‌های محلی تعادلی وجود داشته باشد.^{۱۵}

-کنترل آلودگی هوا با تسهیلات دولت فدرال صورت گیرد.

-هوای بین ایالات را دولت فدرال بهبود بخشد.

-دولت، شرکت‌های اتومبیل‌سازی و صنایع تولید سوخت را برای جلوگیری از آلودگی هوا تشویق نماید.

بند «۴» قانون بهبود هوا ایالات متحده‌ی آمریکا، پیشنهاد می‌کند که وزارت بهداشت، آموزش و رفاه بخشنامه‌ای برای بهبود هوا صادر نماید، و مقرر گردید چنانچه پیروی این بخشنامه برای وزیر ثابت شود که پیشرفتی در بهبودی هوا حاصل نشده است، می‌تواند به ایالات ذیربط، جهت بهبود وضعیت توصیه‌هایی را نماید. اگر بعد از ۶ ماه مشکل آلودگی بهبود نیافت؛ وزیر بهداشت، آموزش و رفاه اجازه دارد جلسه‌ی بازپرسی علنی تشکیل دهد، و در این راستا کمیته‌ی بازپرسی بر اساس شواهد ارائه شده، توصیه‌های لازم را به وزیر نماید و وزیر بودجه‌ی لازم را همراه یک اختطاریه به سازمان محلی ابلاغ می‌کند. در اختطاریه به مسئولیت موسسه‌ی بهداشت محلی اشاره کرده و ضری العجلی را که از ۶ ماه نباید کمتر باشد، برای اقدام به پاکسازی هوا تعیین می‌نماید. اگر در مدت تعیین شده اقدامی صورت نگیرد؛ وزیر مساله را به دادستان کل ارجاع و اعلام جرم می‌نماید.

^{۱۴} برای نمونه مقرر گردید در سال ۱۹۶۳ میلادی برنامه‌ای تنظیم و تنسيق گردد که با پروسه‌ای مقرون به صرفه، گوگرد از سوخت استخراج گردد.

^{۱۵} مقرر گردید دولت فدرال دو سوم تا سه چهارم هزینه‌ی آموزش و تحقیق را تقبل نماید.

پروسه ی اخیرالذکر قسمتی از دلایل عدم موفقیت قانون هوای پاک مصوب ۱۹۶۳ ایالات متحده ی آمریکا بود.^{۱۶}

در سال ۱۹۶۵ میلادی اصلاحیه ای برای برقراری استانداردهای دولت فدرال به منظور کنترل آلودگی هوای منتشره از وسایل نقلیه، تحت عنوان «قانون کنترل آلودگی هوای وسایل نقلیه ی موتوری»^{۱۷} به تصویب رسید؛ علاوه بر این در این سال به وزارت بهداشت، آموزش و رفاه اختیار داده شده تا در مورد آلودگی های مبرهن و مشهود بین ایالات دخالت نماید.^{۱۸}

در سال ۱۹۶۷ در طی پروسه ی نسبتاً طولانی، «قانون کیفیت هوا»^{۱۹} به تصویب کنگره رسید.^{۲۰} قانون کیفیت هوا مصوب ۱۹۶۷^{۲۱} موارد ذیل را در بر می گرفت:

-ایالات متحده ی آمریکا بر اساس شرایط اقلیمی، هواشناسی و جغرافیایی به قسمت های مختلف تقسیم شود.^{۲۲}

-نواحی کنترل آلودگی هوا مشخص شوند.

-برای کیفیت هوا ضوابطی وضع شود که به وسیله ی آن ضوابط اثرات آلودگی هوا بر سلامتی و رفاه تشخیص داده شود.

^{۱۶} یکی از انتقادات وارد بر این قانون این بود که می بایست این قانون را اداره ی کنترل آلودگی هوا تنظیم و تنسيق می نماید و این در حالی بود که این قانون را کنگره تصویب کرده است.

^{۱۷} اصلاحیه ی قانون هوای پاک (اولین استانداردهای فدرال برای اتومبیل).

^{۱۸} دخالت وزارت مزبور از طریق کمیته ای قنی بود که یافته ها و توصیه های آن جنبه ی مشورتی داشت.

^{۱۹} اولین گزارشات ضوابط هوا، اولین نیاز برای استاندارد هوای آزاد، که به وسیله ی دولت فدرال می بایست اجرا شود.

^{۲۰} معلوم نیست که آیا این قانون برای مقامات اجرایی بهداشت هوا یک موفقیت تلقی می شد یا خیر؛ چرا که قبل از این که این قانون دارای ثبوت و ضمانت اجرا شود اصلاحیه ی سال ۱۹۷۰ تصویب گردید.

²¹ Air Quality Act.

این قانون به منظور تکمیل قانون کنترل آلودگی هوا مصوب ۱۹۵۵، و انجام تحقیقات علمی بیشتر در زمینه ی آلودگی هوای باز و نیز ارتقای همکاری میان ایالت های در زمینه ی کنترل آلودگی هوا، به تصویب رسید.

^{۲۲} ایالات متحده ی آمریکا به ۸ ناحیه ی اپالاجیان، جنوب فلوریدا، سواحل واشنگتن، کالیفرنیا-اورگون، کوه های روشز، گریت پلینز، گریت لیکز و سواحل میانی آتلانتیک تقسیم شد. اما نکته ی حائز اهمیت این که کنگره از تصویب این ماده چه اهدافی را دنبال می کرد، مشخص نشد.

-برای نیل به سطحی از کیفیت هوا که در گزارش ضوابط مشخص شده است، به مدیریت های ایالتی و محلی توصیه های فنی و تکنیکی شود.^{۲۳}

-لازم است بر اساس ضوابط کیفیت هوا، موسسات ایالتی و محلی، استانداردهایی برای هوا وضع نمایند که با اجرای آن ها کیفیت هوا بهتر از آن چه در گزارش ضوابط آمده است، باشد.^{۲۴} شایان ذکر است که به علت پیچیدگی مساله در تقسیم بندی و تعیین نواحی کیفیت هوا و جلسات متعدد بازپرسی، برای مدیریت ملی آلودگی هوا که کارمند فنی و تخصصی کافی در اختیار نداشت؛ پیاده کردن این برنامه از توانایی آن مدیریت خارج بود. بدین منوال تا سال ۱۹۷۰ میلادی تنها تعداد کمی از این نواحی احصا شدند؛ کما این که، سیاست و اقتصاد هم طبعاً نقش مهمی در اجرای قوانین بازی می کرد.^{۲۵} سرانجام در سال ۱۹۷۰ میلادی قانون «کیفیت هوا»^{۲۶} به شرح ذیل اصلاح گردید:

-کوشش های بیشتر در جهت پژوهش و تحقیق درخواست شد و بودجه ی مناسب تامین گردید.

-کمک های مالی بیشتر به ایالات داده شد و همکاری های مالی دو جانبه برای تعیین استانداردها برقرار گردید.

-استانداردهای اولیه و ثانویه می بایست به وسیله ی وزارت بهداشت، آموزش و رفاه تعیین و اعلام گردند.^{۲۷}

^{۲۳} این ماده منجر به تهیه ی گزارش روش کنترل آلودگی هوا شد.

^{۲۴} اگر ایالت اقدام نکند؛ WEH می تواند برای هر ناحیه، کنترل آلودگی استاندارد وضع کند. و مراحل آن بدین گونه است که پس از آن که فرماندار اختطاریه ی ضوابط و تکنیک های کنترل را برای هر آلوده کننده ی مشخص، دریافت کرد باید تمایل خود را ظرف ۹۰ روز اعلام کند؛ سپس: ۱-۱۸۰ روز پس از بازپرسی عمومی، استانداردهای هوای آزاد را بپذیرد؛ ۲-در ۱۸۰ روز دیگر بایستی برنامه ی پیاده کردن استانداردها را بدهد و اگر قبل از این که HEW بتواند استانداردها را تعیین کند و در همین حال ایالت مراحل فوق الذکر را نتواند طی نماید، به تقاضای فرماندار یک جلسه بازپرسی تشکیل خواهد شد.

^{۲۵} برای مثال در جنوب آریزونا، چهار شهر مجاور در محدوده ی منطقه ی کیفیت هوا قرار گرفتند(ماری کویا، پینال، پی ما و جیلا) و درست در جنوب این ناحیه سانتا کروز در کمیته ی نظارت قرار گرفت و برای کسانی که در «پی ما»، که مجاور سانتا کروز است زندگی می کردند؛ این بدان معنی بود که هر منبع جدیدی که وارد سانتا کروز می شود باید از نظر آلودگی هوا کنترل شود. همچنین در حالی که صنایع ذوب مس در حال توسعه بود و در نتیجه امکان پیدایش منابع جدید، حتمی به نظر می رسید؛ شهر دیگر به نام «کوچی» که در مجاورت ناحیه قرار داشت جزء منطقه ی کیفیت هوا قرار نگرفت. در نتیجه بزرگترین کارخانه ی ذوب مس ایالت در ناحیه ی کنترل آلودگی هوا واقع نشد.

^{۲۶} اولین استانداردهای ملی که مجری آن دولت فدرال است، اولین استانداردهای ملی برای بعضی آلاینده ها و اولین استانداردهای اجرایی برای کارخانه های جدید در این قانون تنظیم و تنسيق گردید.

^{۲۷} «استانداردهای اولیه ی ملی برای کیفیت هوای آزاد باید استانداردهای کیفیت هوای آزاد شناخته شوند و قضاوت در مورد حفظ و نگهداری این استانداردها به عهده ی مدیریت بهداشت می باشد که بر اساس

-نواحی کنترل آلودگی هوا مشخص و تکمیل گردد.

-برنامه های اجرایی با زمان بندی مناسب برای نیل به استانداردها تنظیم گردد، به طوری که هر ایالت در زمان معین، اجرای استانداردها را شروع نماید.

-استانداردهای عملی برای منابع ثابت جدید، لازم می باشد^{۲۸} و هر ایالت بایستی استانداردهای عملی را اجرا نماید.

-استانداردهای ملی انتشار آلودگی ها برای آلاینده های خطرناک اعم از منابع موجود و یا کارخانه های جدید تعیین گردد: CH,SE,BO,BA,ZN,VA,NI,MN,CU,HC1,CI,AS. آفت کشها، و مواد رادیواکتیو جزء موادی هستند که ممکن است مورد توجه قرار گیرند.

-صنایع باید آلودگی ها را به طور دایم اندازه گیری نموده و صورت انتشار را به طوری که بتواند در اختیار مامورین وزارت بهداشت، آموزش و رفاه قرار گیرد، نگه دارند.

-انتشار ناشی از اتومبیل ها باید تا حد ۹۰ درصد نسبت به اتومبیل های مدل ۱۹۷۰ که دستگاه های کنترل نسبی دارند، کنترل شود.

-طرح و توسعه ی اتومبیل هایی که آلودگی کمتری منتشر می کنند، مورد تشویق قرار گیرد.

-برای هواپیماها، به وسیله ی وزارت بهداشت، آموزش و رفاه استاندارد انتشار وضع گردد.

-همشهریان اجازه دارند بر علیه هر کس (از جمله ایالات متحده) که معلوم شود از مقررات استاندارد انتشار آلودگی ها یا هر بخشنامه ای که از طرف مدیریت بهداشت صادر شده سرپیچی نماید، (..... در مورد مدیریت بهداشت، اگر معلوم شود که در انجام وظیفه و یا اجرای قانون کوتاهی کرده باشد.....)

نکته ای که باید به آن اشاره نمود این که هرگاه دولت های ایالتی در اجرای قانون شکست بخورند، مراحل اجرایی به وسیله ی دولت فدرال طرح و به مرحله ی عمل درخواهد آمد. به هر حال قانون در مورد توقیف مقامات ایالتی برای کنترل آلودگی هوا، صراحت دارد.

می بایست توجه داشت که اصلاحیه ۱۹۷۰، اولین استاندارد کیفیت هوا، اولین استاندارد ملی برای منابع ثابت^{۲۹} و اولین استاندارد عملی برای انتشار آلوده کننده ها می باشد. اما چگونگی اجرای استاندارد های هوای آزاد به عهده ی ایالات گذاشته شده است.

ضوابط کیفیت هوا حد اطمینانی برای آن در نظر می گیرند، به طوری که سلامت جامعه حفاظت شود.» «استانداردهای ملی ثانویه باید غلظتی از آلودگی ها را مشخص نماید که حفظ و نگهداری آن، به قضاوت مدیریت بهداشت، رفاه عامه را از اثرات شناخته شده ی آلودگی های هوای آزاد حفاظت نماید.»

^{۲۸} «بخش ۱۱۱- استانداردهای اجرایی یعنی استاندارد انتشار آلودگی که با کاربرد بهترین روش کاهش انتشار که مدیر بهداشت تعیین می کند و به صورت مناسبی کارایی آن سیستم نشان داده شده باشد.»

^{۲۹} از جمله مهمترین مصادیق این قبیل منابع عبارتند از: کارخانه ها و کارگاه ها، پالایشگاه ها، نیروگاه ها، منابع خانگی و صنایع مختلف که در یک جا هستند.

در حالی که روند کار کنگره به سوی بیشتر درگیر کردن دولت فدرال بود، ولی حرکت نهایی به طرف کنترل توسط دولت فدرال انجام نگرفت. بخش ۱۰۷ قانون سال ۱۹۷۰ چنین تصریح می‌کند که:

هند

هند گرچه از نظر نظام حقوقی در بین گروه کشورهای حقوق عرفی³⁰ جای دارد، اما در حال حاضر در بسیاری زمینه‌ها دارای حقوق نوشته و قوانین مصوب پارلمان است که از جمله می‌توان به قوانین محیط زیست آن کشور از قبیل «پیشگیری و کنترل آلودگی آب» مصوب ۱۹۷۴، «پیشگیری و کنترل آلودگی هوا» مصوب ۱۹۸۱ و «حفاظت محیط زیست» مصوب ۱۹۸۶، اشاره کرد. با این وجود محاکم هند در حفاظت از محیط زیست تنها به آن قوانین خاص متکی نبوده و از اصول قانون اساسی و احکام مسئولیت مدنی نیز در این زمینه، استفاده شایانی به عمل آورده، تا آنجا که می‌توان گفت که یک نظام حقوقی جدیدی را در حفاظت از محیط زیست آن کشور، بنا ساخته اند!

اصل اول اعلامیه استکهلم حاکی از آن است که بشر دارای حقوق بنیادین³¹ مربوط به آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی است که به وی اجازه دهد که یک زندگی شرافتمندانه‌ای را سپری کند.

دو اصل جدیدی که در فرآیند اصلاحیه اشاره شده، به قانون اساسی هند اضافه شد یعنی اصل‌های 48 و (جی) 51، حمایت از محیط زیست و بهبود بخشیدن به آن را از جمله وظایف حاکمیت و شهروندان آن کشور قرار داد.

اصول 32 و 226 از همان قانون نیز دیوان عالی³² و دادگاههای عالی ایالتی³³ قادر می‌سازد تا احکامی که در حقوق عرفی معمول است را برای جلوگیری از تجاوز به حقوق شهروندان به کار برند. گذشته از اصول یاد شده، اصل 21 قانون اساسی هند نیز که در بخش «حقوق بنیادین» جای دارد، در شناسایی محیط زیست سالم به عنوان حق بشر، مورد استناد محاکم هند قرار گرفته که در بخش بعد، نحوه استدلال دادگاه در این خصوص ذکر شده است. طبق اصل 21: «هیچ فردی را نمی‌توان از زندگی و آزادی شخصی اش محروم کرد مگر وفق قانون».

دیوان مزبور برای مقابله با آلوده کردن محیط زیست و نیز استیفای حقوق آسیب دیدگان، آنجا که لازم دیده حتی برخی از قواعد و احکام نظام حقوق عرفی را تغییر داده است! به عنوان مثال در جریان رسیدگی به پرونده نشت گاز سمی از کارخانه شریرام³⁴ در ۱۹۸۵، در شهر دهلی که منجر به کشته شدن یک نفر و بیمار گشتن تعدادی دیگر شد، دیوان عالی هند تئوری «مسئولیت سخت»³⁵ که طبق

³⁰ Common Law.

³¹ Fundamental Rights.

³² Supreme Court.

³³ High Courts.

³⁴ Shriram Industry.

³⁵ Strict Liability.

آن اگر کسی برای غرض شخصی، شیئی را در زمین خود نگهداری و جمع آوری کند، چنان چه آن شیء با فرار از آنجا، ضرری متوجه کسی کند، او مسئول جبران زیان های وارده خواهد بود — را چون دارای استثنائاتی بود که مسئولیتی متوجه زیان رساننده نمی کرد، رد کرد و به جای آن اصلی جدید به نام «مسئولیت مطلق»³⁶ را معرفی نمود. مفاد اصل جدید بیانگر آنست که کسی که فعالیتهايش موجب آلودگی محیط زیست شده باید جبران کلیه خسارات جانی و مالی را بر عهده گیرد و این که وی تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه ای را انجام داده و اهمالی از او در این باره سر نزده بوده است، دفاع موجهی در عدم پرداخت خسارات وارده، محسوب نمی شود! جبران خسارات ناشی از نشت گاز سمی MIC از کارخانه یونیون کارباید³⁷ در شهر بوپال هند، در دسامبر سال 1984، و منجر به کشته شدن حدود سه هزار نفر و مصدوم شدن ده ها هزار نفر از اهالی منطقه شد نیز طبق اصل مسئولیت مطلق به عمل آمد.

اما نکته مهمی که در ارتباط با دعاوی زیست محیطی در هند باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد آنست که بیشتر دعاوی مزبور از طریق «دادخواهی به نفع عموم»³⁸، به دادگستری آن کشور راه پیدا کرده و به واسطه آن، قوه قضاییه هند توانسته است تا روند تخریب و آلودن محیط زیست توسط صنایع اعم از دولتی و خصوصی را تا حد قابل توجهی کنترل کند. به عبارت دیگر هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی می تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود به عنوان شاکی خصوصی جز ستمدیدگان و متضررین اصلی نباشد. همین امر باعث شده که به موازات ارتقاء نقش مثبت دادگستری هند، نقش اشخاص حقیقی و حقوقی نیز در حفاظت از محیط زیست به ویژه برای کمک به افراد تهیدست و مستضعف که تظلم و دادخواهی برایشان با مشقتی همراه است که معمولاً باعث می شود از آن صرف نظر کنند، اهمیت والایی پیدا کند. حسن دیگر این تجویز آنست که اگر واحدهای اجرایی تابع قوه مجریه که باید به مبارزه با فعالیت های مخرب و آلوده کننده محیط زیست پردازند، از انجام دقیق وظایفشان غفلت کنند، شهروندان خود بجای آنها وارد عمل می شوند و از دستگاه قضایی کشورشان، دادخواهی می کنند. جلب آن که دیوان عالی هند، در صورت ضرورت، حتی از اعمال قوانین خاص مربوط به محیط زیست صرف نظر کرده و با استناد به حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور، به صاحبان حرف متذکر شده است که آزادی عمل آنان طبق آن قوانین خاص، باعث مجاز بودن فعالیت هایشان که مخرب محیط زیست باشد، نیست؛ زیرا داشتن محیط زیست سالم، حق بنیادین هر فرد و نیز بخشی از حقوق اساسی آن کشور است و از این رو قانون عادی نمی تواند زایل و ضایع کننده حقوق بنیادین شهروندان باشد.

³⁶ Absolute Liability.

³⁷ Union Carbide Corporation.

³⁸ Public Interest Litigation.

به عبارت دیگر، قوه قضاییه هند با احکامی که در خصوص دعاوی زیست محیطی صادر کرده، در پی تفهیم این معنی است که هر برداشتی از سوی قانونگذار یا عوامل اجرایی از «حق حیات بشر» به عمل آید که از سویی باعث افزایش کیفیت زندگی مردم در یک محیط زیست تمیز و سالم نشود و از سوی دیگر متجاوزین و آسیب‌زندگان به محیط زیست، معذور تلقی و از جبران خساراتی که به مردم و محیط زیست وارد کرده اند، معاف گردند، این امر اصل ۲۱ قانون اساسی آن کشور را پوچ و بی‌خاصیت کرده است.

دادگستری هند بارها دستگاه‌های متولی حفاظت از محیط زیست را با مشاهده ضعف عملکردشان، مورد نکوهش قرار داده و خواستار انجام اقدامات لازم برای جبران خسارات وارده به مردم و محیط زیست شده است؛ از جمله پرونده‌هایی که در این زمینه در بایگانی قضایی هند وجود دارد، پرونده‌ای مربوط به شکایت اهالی ایالت تامیل نادو^{۳۹} از نحوه ی تخلیه فاضلاب کارگاه های دباغی آن منطقه است. دادگاه از این که مسئولان ایالتی به موقع هیأت های نظارت، موضوع بند سوم از ماده ۳ قانون حفاظت محیط زیست مصوب ۱۹۸۶، را در منطقه تشکیل نداده بودند، اظهار تأسف می کند و به دولت مرکزی دستور می دهد تا هویت تمامی آسیب دیدگان، آسیب‌زندگان و مبلغی که باید بابت جبران خسارت پرداخت شود را مشخص سازد. همچنین مسببان آلودگی را به تحمل هزینه های بازگرداندن وضع موجود به وضعیت سابق محکوم می کند.

افغانستان

آلودگی هوا در شهرهای بزرگ افغانستان، به ویژه در کابل یکی از معضلات جدی آن کشور محسوب می شود. به گفته مسئولین اداره محیط زیست افغانستان، شهر کابل در جمع ۱۰ شهر آلوده دنیا از منظر هوا می باشد (روزنامه هست صبح: ۱۳۹۷)^{۴۰}

استفاده از ذغال سنگ و تیل های بی کیفیت، جاده ها و کوچه های خاکی، نبود سیستم کانالزاسیون و استفاده ی حداکتری از اتومبیل ها عوامل عمده آلودگی هوا در کابل و دیگر شهرهای افغانستان است. در کشورهایی مانند افغانستان که از امکانات کمتری نسبت به کشورهای توسعه یافته برخوردارند، وضعیت آلودگی هوا با گشت هر روز بیشتر نگران کننده می شود (Afghan Human Rights Commission, 2014:p.57-58).

در نظام حقوقی کشور افغانستان به صورت شفاف و صریح نسبت به حق بر هوای پاک موضع خاصی را مشاهده نمی کنیم ولی از سیاق ماده ی ۱۵ قانون اساسی می توان به صورت تلویحی نگاه متقن را بر این موضوع احساس نمود که ماده ی مکور بیان می دارد: «دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم را اتخاذ نماید» علاوه بر این در قانون محیط زیست و مقرر

³⁹ Tamil Nadu.

⁴⁰ <http://8am.af/oldsite.php?option=com=19507:1390>

جلوگیری و کاهش از آلودگی هوا هم در مورد وقایع و کنترل آلودگی هوا پرداخته است که در ادامه به تشریح آن پرداخته می شود:

در بند ۳ ماده ی ۴ قانون موصوف آلودگی را این گونه تعریف نموده است: «آلودگی تغییر مستقیم یا غیر مستقیم فیزیکی، حرارتی، شیمیایی یا بیولوژیکی محیط زیست است که با اثر دفع و انتشار مواد مضره بر استفاده درست، تاثیر می گذارد و باعث ایجاد وضعیت پر خطر برای صحت، مصونیت و رفاه عامه یا محیط زیست گردیده و یا منجر به نقض شرایط، حدود یا قیودی شود که اجازه آن تابع احکام این قانون می باشد».

همچنین در فصل چهارم قانون محیط زیست، کنترل همه جانبه آلودگی هوا را بیان نموده است که به قرار ذیل می باشد:

بند ۱ ماده ی ۲۷ قانون مارالذکر اشعار می دارد: هیچ شخصی حق ندارد آلوده کننده را در محیط زیست تخلیه نموده یا سبب آلوده ساختن محیط زیست گردد یا اجازه دهد که محیط زیست (زمین، آب و هوا) تا حدی آلوده شود که تاثیرات سوء آن بر محیط زیست یا سلامتی انسان مشاهده شود مگر این که جوازنامه ی کنترل زباله ها را مطابق حکم ۲۸ این قانون در دست داشته و طبق آن عمل نماید.

بند ۲ ماده ی مزبور، اعطای جواز مطابق حکم ماده ۲۸ این قانون در رابطه با حصول جواز لازم برای انجام فعالیت یا تطبیق پروژه مورد نظر در مطابقت با احکام این قانون یا قوانین دیگر را رفع نمی نماید. در بند ۳ قانون موصوف، شخصی که مواد و اشیای آلوده کننده را انتشار می دهد، مکلف است به منظور تامین بهتر و عملی حفاظت محیط زیست، تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید. همچنین ماده ۱ قانون کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا به تاسی از ماده ی ۲۲ و ماده ۷۰ قانون محیط زیست در تاریخ ۱۳۸۸/۰۴/۲۹ تصویب گردیده است و در این قانون آلودگی هوا را وجود و انتشار یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد، مایع، گاز و تشعشعات در هوای آزاد به مقداری تلقی می کند که کیفیت آن را طوری تغییر دهد که برای صحت و سلامت انسان، حیوان، نباتات و سایر موجودات زنده مضر باشد.

بر اساس ماده ی ۴ قانون اخیرالذکر منابع آلوده کننده به قرار ذیل می باشند:

الف- وسایط نقلیه و سایر وسایل موتور دار؛

ب- فابریکه ها، کارخانه ها و منابع تجارتي، خانگی و منابع متفرقه.

علی الظاهر منظور از منابع متفرقه انواع زباله هایی است که از آن ها نیز می توان به عنوان یکی از منابع آلودگی هوا نام برد. به عنوان نمونه: از زباله های خانگی از قبیل پوست میوه، غذاهای مانده و (...) که گاز متان انتشار می نمایند می توان نام برد.

یک کشور ممکن است پالیسی‌ها و وسایل مختلف را که بتواند از آلودگی هوا جلوگیری، کاهش یا پیشگیری نماید را به کار ببرد. بر این اساس دولت افغانستان قانون کاهش و لوگیری از آلودگی هوا را با اهداف ذیل تصویب نمود:

الف- کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا و عوامل مخرب محیط زیست؛

ب- جلوگیری از اثرات سوء برای صحت انسان و سلامت محیط زیست؛

ج- جلوگیری از انتشارات و ازدیاد عناصر تغییر دهنده ی خواص فیزیکی و شیمیایی هوای آزاد؛

د- بهبود وضع محیط زیست.

این قانون، پخش و انتشار بیش از حد مجاز هر نوع مواد آلوده کننده ی هوا را ممنوع اعلام کرده و اداره ملی محیط زیست این کشور را مکلف نموده است که حد مجاز آلودگی هوا را تعیین و تثبیت نموده و به اطلاع عموم برساند.

نتیجه گیری:

نکته ی مهمی که بایستی در جریان بررسی قوانین و مقررات مربوط به آلودگی هوا مد نظر قرار داد این است که قانونگذار ملی، در فرآیند تدوین این دسته از مقررات همواره با این اصل کلی روبروست که «مساله ی آلودگی هوا» یک مساله ی چند بعدی فرابخشی و مشتمل بر مسائل درهم تنیده عوامل و پیامدهای مختلف، بخش های مختلف درگیر و روش های گوناگون واکنش و جبران است. بدین معنا که نخست: آلودگی هوا در رایج ترین تعریف آن شامل ورود انواع مختلفی از آلاینده ها در محیط زیست جوی است و تنها نوع خاصی از آلاینده ها را دربر نمی گیرد. بر این اساس مقررات مربوط به آلودگی هوا نمی تواند به احصاء شمار محدودی از این آلاینده ها بر مبنای شدت آلودگی هوا بپردازد، چرا که هر آلاینده ای آلودگی خاص خود را به همراه دارد. این آلاینده ممکن است در ترکیب با آلاینده های دیگر، ترکیب خطرناک تری به وجود آورد. بنابراین تدوین یک فهرست جامع از انواع مواد آلاینده ی هوا در مقررات مربوط به آلودگی هوا، اساسی ترین گام در جهت اعمال کنترل بر انتشار مواد آلاینده محسوب می شود.

دوم این که انواع مختلف آلاینده های هوا به وسیله ی واحدهای مختلف آلاینده ی کشاورزی، صنعتی، ترابری، ساختمانی و خدماتی منتشر می شود نه فقط از یک یا چند بخش خاص. بنابراین برای رسیدن به یک رویکرد جامع، مقررات ناظر بر آلودگی هوا باید همه ی بخش های مرتبط با واحدهای آلاینده را تحت کنترل قرار دهد و برای هر نوع واحد آلاینده، قواعد خاص آن واحد را در چارچوب رویکرد کلی کنترل آلودگی هوا تدوین کند^{۴۱} که لازمه ی آن ایجاد هماهنگی میان بخشی و سازمانی است.

^{۴۱} مانند «قانون هزینه ی آلودگی مصوب ۲۱ مارس ۱۹۹۹ کشور استونی که در ماده ی ۳ خود نحوه ی تعیین و اخذ هزینه های انتشار مواد آلاینده از فعالیت های صنعتی را مشخص می کند.

سوم این که آلودگی هوا به دلیل سیال و فراگیر بودن مختص منطقه ی خاصی نیست و مناطق گسترده ای را تحت پوشش قرار می دهد. از این لحاظ با آنکه ایجاد مناطق ویژه ی مقابله با آلودگی هوا برای منطقه ای آلودگی هوا، مقررات ناظر بر آن باید با رویکرد فرامنطقه ای و ملی به تصویب و اجرا درآید. چهارم این که، قانونگذاری در حوزه ی آلودگی هوا، باید بر مبنای اصل توسعه ی پایدار صورت پذیرد تا قوانین مصوب از قابلیت اجرایی لازم برخوردار شوند. به این معنا که تصویب و اجرای این قوانین نباید آن چنان سخت گیرانه باشد که با محدود نمودن تولید صنعتی، کشاورزی^{۴۲} و اقتصادی جریان عمومی توسعه ی جامعه را آهسته کند و نباید چندان سهل گیرانه و فاقد ضمانت اجرایی باشد که آلودگی هوای اجتناب ناپذیر ناشی از توسعه ی اقتصادی و صنعتی تبدیل به تهدیدی خطرناک علیه حیات انسانی محیط زیستی و خود اصل توسعه شود. یکی از روش های اعمال این اصل در مقررات راجع به این مساله اعمال کنترل مواد آلاینده، بر طبق سه رویکرد ممنوعیت، حذف تدریجی و وضع حد نصاب است. چرا که با اعمال این سه رویکرد در زمینه ی انتشار مواد آلاینده می توان تا حدی توازن لازم را بر آورده کرد.

پنجم این که به منظور تحقق هدف نهایی اعمال قوانین مربوط به آلودگی هوا یعنی تضمین هوای پاک، برای همه لازم است تا شیوه ی جبران پیامدهای زیان بار محیط زیستی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی آلودگی هوا در این قوانین مقرر شوند. چرا که پیامدهای آلودگی هوا، صرفاً به خطر افکندن مستقیم زندگی انسان ها نیست، بلکه این آلودگی همه ی بخش های اجتماعی را درگیر می سازد. بدین جهت از یک سو مقررات حاکم، باید واحدهای آلاینده را به رفع پیامدها و آثار آلودگی و جبران خسارت های وارده ملزم کند و از سوی دیگر در رویکردی گسترده تر، باید نحوه ی جبران خسارت اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و هزینه های هنگفت حفظ بهداشت انسان و محیط زیست ناشی از آلودگی هوا پیش بینی کند.

^{۴۲} برای نمونه در کشور چین استاندارد مربوط به حداکثر مجاز تراکم آلاینده ها در جو برای حفاظت از فرآورده های کشاورزی (Maximum allowable concentration of pollutants in atmosphere for protection crops) از سال ۱۹۸۸ جهت تعامل حق بر هوای پاک و حق بر توسعه به اجرا گذاشته شده است. این دستورالعمل حد مجاز تراکم گازهای دی اکسید سولفور و فلورید را در جو برای حفاظت از فرآورده های مهم از لحاظ اقتصادی مانند سبزیجات، درختان میوه، درخت توت، چای و علوفه مشخص می کند. این دستورالعمل فرآورده های کشاورزی را بر اساس میزان حساسیت آن ها در برابر آلودگی هوا در گروه های با حساسیت بالا، با حساسیت متوسط و غیر حساس دسته بندی کرده و میزان انتشار هر آلاینده را در هر منطقه ی کشاورزی با محصولات خاص آن منطقه مشخص می کند.

نتیجه آن که، با توجه به چند بخشی بودن مساله ی آلودگی هوا و ابعاد برشمرده در مورد آن، یک برنامه ی جامع ملی برای تدوین و اعمال یک پارچه ی همه ی این اصول و بایسته های ذکر شده، لازم است. با این رهیافت که قانونگذاری در زمینه ی آلودگی هوا، بدون اعمال این اصول و تدوین چنین برنامه ی جامعی نمی تواند در بر آورد اهداف حفظ سلامتی انسان و محیط زیست و توسعه ی پایدار، موفق باشد.

همچنین با آن که تاکید همه ی اسناد بین المللی تصویب شده در زمینه ی مبارزه با حفاظت از هوا و نیز رویکرد عملی سازمان های بین المللی فعال در این زمینه، مبتنی بر تشویق دولت ها به اتخاذ یک رشته مقررات جامع مشترک و همسو در سطح بین المللی بوده است؛ با این حال، اهمیت شرایط بومی و محلی دولت ها نیز نادیده گرفته نشده و اتخاذ راهبردهای ملی جامع با تکیه بر شرایط داخلی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی آن ها ضرورتی ملی تلقی می شود که همواره باید مد نظر نهادهای مسئول در این زمینه باشد. در واقع، هیچ روش واحدی در زمینه ی مبارزه با آلودگی هوا به همه ی کشورها توصیه نمی شود؛ بلکه به عنوان یک رویکرد پذیرفته شده ی بین المللی، کشورهای مختلف متناسب با توان اقتصادی و اجتماعی، نظام حقوقی و میزان آسیب پذیری محیط زیستی و انسانی و هماهنگ با برنامه ی ملی توسعه ی پایدار خود، طرح و انجام اقدامات پیشگیرانه، تعدیلی، بازدارنده، ایجاد سازگاری و تحقیقاتی را در صدر برنامه ی ملی توسعه ی پایدار خود آغاز کرده اند. (Shelton&kiss, 2005:79)

از این روی، موازین حقوقی به کار گرفته شده برای تضمین این اقدامات با در نظر گرفتن شرایط محلی جغرافیایی، آب و هوایی، صنعتی گرای، شهرنشینی، کشاورزی، جمعیت و دیگر منابع بالقوه آلودگی متفاوت است و این تفاوت ها به ویژه در زمینه ی استانداردهای کنترل آلاینده ها و کنترل کیفیت هوا، بهبود وضعیت مناطق آلوده یا مناطق آسیب پذیر مشخص تر است. به طور کلی نظام های حقوقی ملی در زمینه ی مقابله با آلودگی هوا و حفاظت از هوای پاک را بر اساس سطح توسعه قوانین و مقررات، به سه دسته می توان تقسیم نمود: دسته اول نظام های حقوقی که به صورت بسیار کلی و در قالب منع آلودگی محیط زیست به مقابله با آلودگی هوا پرداخته اند؛ دسته ی دوم نظام های حقوقی که علاوه بر قوانین کلی حاکم بر حفاظت محیط زیست، قوانین و مقررات پراکنده ای را در زمینه ی مقابله با آلودگی هوا تصویب کرده اند؛ و دسته ی سوم نظام های حقوقی که بر معضل آلودگی هوا به صورت تخصصی متمرکز شده اند و مقررات ویژه و منسجمی را در این زمینه به تصویب رسانده اند و در صدد ایجاد یک نظام حقوقی ملی خاص برای مقابله با آلودگی هوا هستند.

منابع:

بنسون، جان، ۱۳۸۱، اخلاق محیط زیست، مجموعه مقالات و بررسی ها، مقاله ی تراژدی منابع عام، ترجمه ی عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

قانون راجع به آلودگی مصوب ۱ جولای ۲۰۰۱ لاتویا
 قانون پیشگیری و کنترل آلودگی منسجم مصوب ۱ می ۲۰۰۲ استونی
 دستورالعمل کاهش انتشار اکسید نیتروژن ۱۹۹۰ دانمارک
 دستورالعمل راجع به «کاهش انتشار اکسید سولفور و ذرات معلق ۱۹۸۶ دانمارک
 قانون هوای پاک مصوب ۱۹۶۳ با اصلاحیه های بعدی آمریکا
 قانون پیشگیری از تاثیر آلاینده های هوا، صوتی و اشعه بر محیط زیست مصوب ۲۰۰۲ آلمان
 قانون حفاظت از محیط زیست اتمسفری مصوب ۱۹۸۳ اسپانیا
 قانون کنترل جامع آلودگی هوا مصوب ۱۹۹۸ فیلیپین
 قانون کنترل آلودگی هوا مصوب ۱۹۹۶ ژاپن
 قانون اساسی پنسیلوانیای آمریکا
 قانون اساسی هند
 قانون هوای پاک در سال ۱۹۶۳ (با اصلاحیه های ۱۹۷۰، ۱۹۷۷ و ۱۹۹۰) آمریکا

Air Pollution Control Act of 1955 (pub.L.84-159. Ch.360, 69 Stat. 322).

<http://8am.af/oldsite.php?option=com=19507:1390>

Kiss , Alexandre and Dinah Shelton , International Environmental Law , pp 21-30